

بررسی حس تعلق به مکان از منظر شاخص‌های کالبدی و غیرکالبدی در خانه‌های مستقل و مجتمع‌های آپارتمانی (مطالعه موردی: شهر تبریز)

حجت‌الله رشید کلور (استادیار معماری، دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران، نویسنده مسئول)

h_rashid@uma.ac.ir

فاطمه عباس زاده دیز (دانشجوی کارشناسی ارشد گروه معماری، دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران)

abaszade_fateme@yahoo.com

حسن اکبری (استادیار معماری، دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران)

h.akbari.arc@gmail.com

مرضیه شاهرودی کلور (دانشجوی دکتری تخصصی معماری، گروه معماری، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران)

m.shahroudi.k@gmail.com

تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۰۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۷/۰۶

صص ۱۹۵-۲۱۵

چکیده

حس تعلق از مهم‌ترین ابعاد رابطه انسان و مکان است. انسان هنگامی که در تعامل با مکان قرار می‌گیرد، بدان معنا بخشیده، نسبت به آن احساس تعلق کرده و دل‌بسته آن می‌شود. پژوهش حاضر، به بررسی ابعاد کالبدی و غیرکالبدی حس تعلق به مکان و شاخص‌های مؤثر آن در خانه‌های مستقل (حیاطدار) در مقایسه با مجتمع‌های آپارتمانی شهر تبریز پرداخته و در پی پاسخگویی به این سؤال است که عوامل مؤثر بر ایجاد حس تعلق در فضاهای مسکونی مستقل و آپارتمانی کدام است؟ و نقش عناصر کالبدی در ایجاد این حس چگونه است؟ نوع تحقیق پژوهشی و روش تحقیق پیمایشی است که ضمن به‌کارگیری اسناد و مدارک از ۲۳۳ پرسشنامه محقق ساخته جهت بررسی دیدگاه‌های ساکنین استفاده شد و مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد عناصر کالبدی نظیر (فرم و ابعاد عناصر، دسترسی و چینش فضا، مصالح و تزئینات، حریمیت و اشرافیت) از مهم‌ترین شاخصه‌های ایجاد حس تعلق به مکان هستند که در سه ویژگی فرم و ابعاد عناصر، مصالح و تزئینات و همچنین حریمیت و اشرافیت در خانه‌های مستقل بیشتر نمود می‌یابد، اما ویژگی دسترسی و چینش فضا در مجتمع‌های آپارتمانی دارای میانگین بالاتری است. از منظر شاخص‌های غیر کالبدی، مجتمع‌های آپارتمانی دارای عملکرد بهتری بوده‌اند. فعالیت و آسایش در هر دو گونه مسکن مورد بررسی، دارای تأثیر نسبتاً یکسانی است. در مجتمع‌های آپارتمانی، ابعاد اجتماعی و فردی و در خانه‌های مستقل، معانی و نمادها، پیش‌بینی‌کننده‌های مطمئن‌تری در افزایش احساس تعلق ساکنین می‌باشند.

کلید واژه‌ها: حس مکان، تعلق مکانی، خانه‌های مستقل، مجتمع‌های آپارتمانی.

۱. مقدمه

تعلق مکانی به رابطه‌ی شاخص با یک محیط یا یک فضای خاص اطلاق می‌شود (لو و آلتمن^۱، ۱۹۹۲) در میان انواع مکان‌هایی که فعالیت‌های انسان امروزی در آن معنا پیدا کرده و شکل می‌گیرد خانه مهم‌ترین آن‌ها بوده که به دلیل شمولیت حس مکان، خانه است. خانه، مکانی است که وقوع زندگی روزمره را در خود جای داده و زندگی روزمره چیزی است که تداوم خود را در هستی ما حفظ کرده است (شولتز^۲، ۲۰۰۲، ص. ۱۴). از نظر دیوید سیمون^۳، دلیل اصلی حس در خانه بودن، راحتی در مکان است که به‌واسطه ریشه‌دار بودن، احیا انسان، ایجاد آسایش، حس صمیمیت و راحتی در مکان، در گذشته و حال به وجود می‌آید (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۴، ص. ۲۸)؛ بنابراین، علاقه به خانه، محیط سکونت، احساس تعلق و هویت، نسبت به آن‌که راحتی و آسایش را برای ساکنان به ارمغان می‌آورد، دارای اهمیت بسیاری در شکل‌گیری حس و روح مکان در خانه می‌باشد.

۱.۱. طرح مسئله

بررسی اطلاعات آماری در سالنامه آماری شهر تبریز (۱۳۹۶)، نشان می‌دهد که این شهر از سویی با افزایش جمعیت شهرنشین به دلیل رونق گرفتن صنایع و فرصت‌های شغلی آن در حیطه تولید و صنعت و همچنین افزایش نرخ متوسط رشد سالانه جمعیت (۰/۹۷٪) مواجه می‌باشد و از سوی دیگر، بعد خانوار و پراکندگی جمعیت در گروه سنی ۲۵ تا

۵۰ سال (بیشترین میزان پراکندگی جمعیت، مطابق سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ در گروه سنی ۳۰ تا ۳۴ سال) به بیشترین مقدار خود در سال‌های اخیر رسیده است. این گروه سنی، افرادی را شامل می‌شود که بخش اعظم نیروی کار و گروه‌های مستعد تشکیل خانواده یا افزایش جمعیت خانوار را تشکیل می‌دهند که نیاز آنان به مسکن، به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی زندگی، انکارناپذیر است.

از سوی دیگر، محدودیت‌های توسعه افقی شهر، منجر به توسعه کالبدی عمودی و رشد مسکن جمعی و تغییرات در شیوه‌ی سکونت‌ی این شهر شده است؛ مطالعات نشان می‌دهد که امروزه انسان‌ها در خانه‌هایی زندگی می‌کنند که بی‌توجهی به انسان و نیازهای او در طراحی و ساخت آن، مشکلاتی از قبیل کاهش احساس تعلق و آرامش را به همراه داشته است (شمس، ۱۳۸۹، ص. ۹۲). از این رو، توجه به نیازهای روانی و کالبدی در طراحی و ساخت فضای مسکونی امری ضروری به نظر می‌رسد. هدف از این پژوهش بررسی شاخص‌های کیفی-کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان در دو گونه‌ی عمومی مسکن (خانه‌های مستقل و مجتمع‌های آپارتمانی) در شهر تبریز می‌باشد. در این راستا تحقیق حاضر در پی پاسخگویی به سؤالات زیر بوده است:

- عوامل مؤثر بر حس تعلق در فضاهای مسکونی مستقل و آپارتمانی شهر تبریز کدام است؟
- نقش مؤلفه‌های کالبدی در ایجاد این حس چگونه است؟

1. low & Altman
2. shultz
3. David Simon

در جستار پیش‌رو فرض بر این است که ساکنین خانه‌های مستقل، حس تعلق بیشتری (با توجه به کیفیت عناصر کالبدی و روانی فضای سکونت) نسبت به ساکنین مجتمع‌های آپارتمانی دارند؛ این برتری از کیفیات محیطی (آسایش محیطی، حریمیت و ...)، کالبدی (چیدمان، عناصر فرم و فضا و ...) این‌گونه خانه‌ها، توجه و تناسب بیشتر این خصوصیات، با فرهنگ سکونتی ساکنان آن‌ها منتج شده است؛ بدین سبب با یافتن راهکارها و به‌کارگیری آن‌ها می‌توان در راستای افزایش رضایت ساکنین و در نتیجه ارتقای حس تعلق به مکان، طراحی مناسبی ارائه کرد. بدین منظور، پس از ارائه تعاریف مختلف و بررسی عوامل تأثیرگذار بر آن‌ها و همچنین بررسی دیدگاه‌های مختلف ارائه‌شده پیرامون این مفاهیم توسط اندیشمندان، به استخراج مدل پژوهشی پرداخته و جهت بررسی آن، خانه‌های مستقل و آپارتمانی در شهر تبریز را به آزمون گذاشته است.

۲.۱. مبانی نظری و پیشینه‌ی تحقیق

۲.۱.۱. مکان، حس مکان و سطوح آن

مکان مجموعه فضاهایی است که بر رفتار و ذهنیات انسان تأثیر می‌گذارد و نوع ارتباط مخاطب با محیط را تعیین می‌کند. افراد با ارتباط و قرارگیری در مکان‌های مختلف، دارای ذهنیت و رفتارهایی می‌شوند که به مکان هویت می‌دهند. بنابراین، مکان، عنصر اصلی هویت افراد ساکن در آن است و انسان با شناخت مکان می‌تواند به شناخت خود نائل شود (حیبی، ۱۳۸۷، ص. ۳۹). حس مکان، به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم‌وبیش آگاهانه

آن‌ها از محیط خود است که شخص را در ارتباط درونی با محیط قرار می‌دهد؛ به طوری که فهم و احساس فرد با زمینه‌ی معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود (فلاح، ۱۳۸۵، ص. ۵۷). از دیدگاه روان‌شناسی، تعادل صمیمی و هم‌ذات‌پنداری فرد با مکان، حس مکان نامیده می‌شود (همان: ۶۰).

ارتباط انسان با محیط در سطوح گوناگونی حس مکان را به وجود می‌آورد و انسان، مراتب متفاوتی از حس مکان را درک می‌کند. شامای (۱۹۹۱) در بررسی‌های خود در مورد سطوح مختلف احساس به مکان، ۳ مرحله اصلی تعلق به مکان، دل‌بستگی به مکان و تعهد به مکان را اشاره می‌کند. در دیدگاه دیگر، حس مکان در سطوح ۱۰ گانه زیر دسته‌بندی می‌شود:

۱- بی‌مکانی ۲- آگاهی از قرارگیری در یک مکان ۳- تعلق به مکان ۴- دل‌بستگی به مکان ۵- وابستگی به مکان ۶- مداخله در مکان ۷- فداکاری در حفظ مکان ۸- هویت مکانی ۹- وحدت با مکان و ۱۰- روح مکان (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۴). دو سطح اولیه مورد اشاره، عمدتاً سطوح ادراکی و شناختی فرد نسبت به محیط را شامل می‌شود از سطح ۳ به بعد، ابعاد احساسی فرد نسبت به مکان را شامل می‌شود، به طوری که رلف^۲ (۱۹۷۶) نیز بر عمیق‌ترین سطح وابستگی به مکان به صورت ناخودآگاه اشاره می‌نماید و اعلام می‌کند ناآگاهانه بودن حس تعلق، زمانی خود را نشان می‌دهد که فقدان یا جدایی فرد و مکان اتفاق بیفتد.

1. Shamai

2. Relph

۱.۲.۲. حس تعلق به مکان

تعلق به مکان به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (فلاح، ۱۳۸۴، ص. ۳۷) و لایه‌های ادراک، مفاهیم و تجربیات مکان را شرح می‌دهد. فعالیت‌ها و شکل کالبدی موجود در مکان، بر حس وابستگی افراد تأثیر می‌گذارد و ارتباطات فرهنگی و اجتماعی، خاطرات و مفاهیم شخصی نیز بر تعلق به مکان مؤثر است. گاه ممکن است این تعلق مکانی از سطح تجربه‌های احساسی-شناختی افراد گذر کرده و با احساس مشترک جمعی در محدوده فضایی وسیع‌تر از مکان، محله تا سطح یک کشور و برای یک ملت گسترده شود (شاهیچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۴، ص. ۲۷۴). بنابراین، حس تعلق ترکیبی پیچیده از معانی، نمادها و کیفیت‌های محیطی است که شخص یا گروه به صورت خودآگاه یا ناخودآگاه از یک مکان خاص ادراک می‌کنند. این معنا که عمدتاً بر پایه ارتباط عاطفی فرد با محیط قرار دارد در طراحی به صورت نمود کالبدی، خود را نمایان می‌سازد (جوان فروزنده، مطلبی، ۱۳۹۰، ص. ۳۳).

نظریات مطرح شده نشان می‌دهد هنگامی یک فرد به موضوعی تعلق پیدا می‌کند که بتواند از طریق آن به نیازها و انتظارات خود پاسخ داده و همچنین بتواند آن را با الگوهای ذهنی ساخته شده از "خود" ارزیابی نماید (اسکنل و گیفورد، ۲۰۱۰، ص. ۹). به طور کلی می‌توان بیان کرد که نظریه تعلق بر این امر استوار است که وابستگی، پیوند عاطفی و تعلق مکانی، زمانی رخ می‌دهد که انتظارات و نیازهای اهالی آن محیط

تأمین شده باشد. هر میزان به نیازها و انتظارات انسان بیشتر پاسخ داده شود، احتمال اینکه تعلق ساکنین به محیط پیرامونشان افزایش یابد، بیشتر است. برخی از محققین نظیر لو و آلتمن^۲ (۱۹۹۲)، با تأکید بر نقش اجتماعی مکان، به تعاملات و ارتباطات فرهنگی-اجتماعی در مکان اشاره و تعلق به مکان را از منظر تعلق اجتماعی (استفاده‌کنندگان)، تعبیر و تفسیر نموده‌اند. از طرفی، محقق دیگری چون پروشانسکی^۳ (۱۹۹۰)، با تأکید بر نقش حس تعلق کالبدی در محیط، به عنوان بخشی از هویت مکانی، آن را جزئی از هویت فردی و نهایتاً هویت اجتماعی افراد در محیط‌های مختلف می‌داند. این نوع از تعلق، برگرفته از عناصر و اجزاء کالبدی مکان به عنوان بخشی از فرایند شناخت و هویت انسانی می‌باشد.

2. Iow & Altman
3. Proshansky

1. Scannell & Gifford

جدول ۱. نظریه‌های ارائه‌شده در رابطه با حس تعلق به مکان

نظریه پرداز	نظریه
رلف ^۱ (۱۹۷۶)	حس تعلق، پیوندی محکم و عاملی تأثیرگذار میان مردم، مکان و اجزای تشکیل دهنده آن است که این پیوند به صورت مثبت بوده و سبب گسترش ارتباط و تعامل فرد با محیط می‌گردد و با گذر زمان عمق بیشتری می‌یابد.
شامای ^۲ (۱۹۹۱)	ارتباط عاطفی پیچیده فرد با مکان به گونه‌ای که مکان برای او معنا یافته و محور فردیت است و تجارب جمعی و هویت فرد در ترکیب با معانی و نمادها به مکان شخصیت می‌دهد. وی در این حالت بر منحصربه‌فرد بودن مکان و تفاوت آن با دیگر مکان‌ها تأکید کرده است.
لو و آلتمن ^۳ (۱۹۹۲)	ارتباطی نمادین که توسط مردم از طریق الحاق معانی مشترک فرهنگی، احساسی و عاطفی به یک مکان خاص و یا قطعه‌ای از زمین ایجاد می‌شود و مبنایی برای ادراک و ارتباط افراد و گروه‌ها با محیط را فراهم می‌کند.
ریلی ^۴ (۱۹۹۲)	بر خواسته از خاطرات دوران رشد و ارتباطاتی است که در یک مکان اتفاق می‌افتد نه فقط مکان صرف.
بونایتو و همکاران ^۵ (۱۹۹۹)	تعلق مکانی را وابستگی عاطفی با مکان خاص و تبدیل فرد به عنوان بخشی از هویت مکان تعریف می‌کند و این گونه بیان می‌کند که این امر در چارچوب فرآیند اجتماعی-روان‌شناختی بین فرد و مکان پدید می‌آید که نتیجه‌اش احساس علاقه نسبت به مکان است.
اسکئل و گیفورد ^۶ (۲۰۱۰)	تعلق مکانی دارای سه بعد فرد، فرایند و مکان است. حس تعلق به صورت پیوندهای عاطفی در ابعاد یادشده رخ می‌دهد.

ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

جدول ۲. تعاریف عملیاتی متغیرهای تحقیق

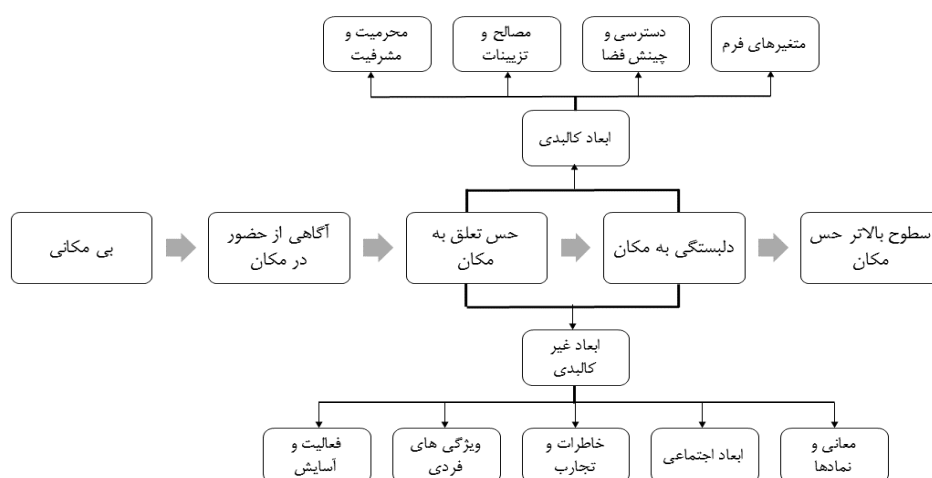
متغیر	تعریف عملیاتی	معیار	شاخص‌ها
تعلق مکانی	تعلق به مکان که بر پایه‌ی حس مکان به وجود می‌آید فراتر از آگاهی از استقرار در یک مکان است. این حس به پیوند فرد با مکان منجر شده و در آن انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربه خود از نشانه‌ها، معانی، عملکردها و شخصیت مکان، نقشی برای آن در ذهن خود متصور می‌سازد و در آن هنگام، مکان برای او قابل احترام می‌گردد (استیل ^۷ ، ۱۹۸۱، ص. ۴۴).		عوامل کالبدی و غیر کالبدی
عوامل کالبدی	شاخص‌های مختلفی از منظر کالبد به عنوان عوامل تأثیرگذار بر احساس تعلق و دل‌بستگی مکانی معرفی شده‌اند؛ از جمله آن می‌توان به دسترسی، دید و منظر (صادقی و همکاران، ۱۳۹۱)؛ شکل و اندازه عناصر، بافت و تزئینات، روابط و چیدمان اشاره	ویژگی‌های کالبدی	شکل_رنگ_بافت_زمینه و بستر مکان_ موقعیت قرارگیری مکان در زمینه شهری_ ارتباط مکان با پیرامون_ نحوه طراحی

1. Relph
2. Shamai
3. low & Altman
4. Riley
5. Bonaiuto
6. Scannell & Gifford
7. Steele

متغیر	تعریف عملیاتی	معیار	شاخص‌ها
	داشت (حیدری و همکاران، ۱۳۹۳).		فضا_ ترکیب هندسی و تزیینات_ دید و منظر
		متغیرهای فرم	مصالح و تزیینات، شکل و مقیاس
		محرمیت	محرمیت و مشرفیت، حرایم بصری، صوتی و ...
		ساماندهی اجزا	دسترسی و چینش فضا_ مبلمان
عوامل غیر کالبدی	پیوند انسان_ مکان، وابسته به فعالیت‌هایی است که افراد در قالب مقتضیات فرهنگی خود انجام می‌دهند و یادآور ریشه‌های تاریخی و پیوندهای احساسی آن‌ها با محیط خود می‌باشد (لو و آلتمن ^۱ ، ۱۹۹۲، ص. ۷).	معانی و نمادها	ارجاعات تاریخی، قدمت، نمادها و نشانه‌ها، مصالح سنتی و ...
	حس مثبت ناشی از ارتباطات اجتماعی عاملی برای توجیه پیوند انسان_ مکان در شرایط نامطلوب است (بوناییتو و همکاران ^۲ ، ۱۹۹۹) تعاملات اجتماعی بامعنا بخشیدن به مکان، زمینه را برای ایجاد پیوند با مکان میسر می‌کنند (فرید ^۳ ، ۱۹۶۳).	ابعاد اجتماعی	تعاملات اجتماعی، فضاهای جمعی
	تعلق به مکان عموماً پس از آنکه افراد تجربه‌ای درازمدت در یک مکان دارند، رخ می‌دهد که در این فرایند، مکان معنای وسیع‌تری برای فرد پیدا می‌کند. انسان مکانی را بیشتر به یاد می‌آورد که وقایع مطلوبی را در آن تجربه کرده است (بوناییتو و همکاران ^۴ ، ۱۹۹۹)؛ ریلای ^۵ (۱۹۹۲)؛ توان ^۶ (۱۹۷۴).	خاطرات و تجارب	مدت زمان سکونت، وقایع فرهنگی - اجتماعی
	افراد بر اساس ترجیحات آگاهانه‌ای که ناشی از خصوصیات و ویژگی‌های فردی آن‌ها می‌باشد، مکان‌ها را انتخاب می‌کنند و به آن دل‌بسته می‌شوند (مستغنی و اعتمادی، ۱۳۹۵)	ویژگی‌های فردی	پاسخ به نیازهای فردی مانند نزدیکی به محل کار، تطابق با معیارهای زیبایی‌شناسی فردی و ...
	نوع فعالیت‌های موجود در مکان، سبب کسب معنا از مکان می‌گردد و کسب معنا، خود زمینه‌ساز علاقه و تعلق به مکان است (لو و آلتمن ^۷ ، ۱۹۹۲)؛ رلف ^۸ (۱۹۷۶)	فعالیت و آسایش	احساس راحتی، شرایط محیطی مناسب، تعامل انسان_ مکان، امکان کنترل مکان

ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

1. low & Altman
2. Bonaiuto
3. Fried
4. Bonaiuto
5. Riley
6. Tuan
7. low & Altman
8. Relph



شکل ۱. دیاگرام شاخص‌ها و چهارچوب مفهومی پژوهش ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

۲. روش شناسی پژوهش

جهت توزیع به دست آمد. پرسشنامه‌ها به صورت خوشه‌ای به تعداد ۱۹۶ عدد در ۶ بلوک از مجتمع مسکونی آسمان، ۶۲ عدد در ۴ بلوک از مجتمع مسکونی عتیق و ۳۴ خانه مستقل در محله مقصودیه توزیع گردید که در نهایت ۲۷۳ پرسشنامه با پاسخ کامل از همه نمونه‌ها دریافت شد. در پژوهش، از آمار توصیفی جهت توصیف متغیرها و از آمار استنباطی جهت تبیین و آزمون فرضیه‌های تحقیق استفاده شد. در این رابطه، حس تعلق به صورت متغیرهای وابسته و عوامل موثر کالبدی به صورت متغیرهای مستقل مورد تحلیل قرار گرفتند. داده‌های پژوهش با استفاده از آزمون مقایسه میانگین (t) و آزمون همبستگی پیرسون و رگرسیون در قالب نرم‌افزار SPSS^{۲۴} تحلیل گردید. مقدار ضرایب آلفای کرونباخ و نتیجه آزمون بارنتلت، نشان از روایی و پایایی مطلوب پرسشنامه و قابل استناد بودن نتایج تحقیق دارد.

تحقیق حاضر از نوع پژوهشی و روش تحقیق در پژوهش حاضر پیمایشی است که ضمن استفاده از اسناد و مدارک، از پرسشنامه‌ی محقق ساخت بهره جسته شد. محدوده مورد بررسی در رابطه با خانه‌های مستقل در محله تاریخی و قدیمی مقصودیه در شهر تبریز بوده، این محله در مرکز شهر و مابین خیابان‌های ارتش جنوبی و طالقانی واقع شده است. نمونه‌های بررسی شده در رابطه با مجتمع‌های آپارتمانی، مورد اول مجتمع مسکونی آسمان واقع در بلوار ائل گلی بوده و نمونه بعدی مجتمع مسکونی عتیق واقع در خیابان شهید بهشتی می‌باشد که در راستای نوسازی بافت فرسوده ایجاد شده است. جهت تحلیل و بررسی نمونه‌ها، از بین ۱۲۲۸ واحد (۹۲۸ واحد در مجتمع آسمان، ۲۰۰ واحد در مجتمع عتیق و ۱۰۰ واحد مسکونی در محله مقصودیه) بر اساس فرمول کوکران، تعداد ۲۹۲ پرسشنامه محقق ساخته،

جدول ۳. بررسی روایی و پایایی ابزار تحقیق

متغیر	تعداد گویه‌ها	میانگین	واریانس	آلفای کرونباخ	KMO	آزمون بارتلت	درجه آزادی	سطح معناداری
تعلق مکانی	۱۳	۳۵/۲	۰/۹۵۷	۰/۸۶۱	۰/۸۵۲	۴۴۶/۰۴۴	۷۸	۰/۰۰۰
ابعاد کالبدی	۲۸	۲/۲۷	۱/۴۹۷	۰/۷۶۷	۰/۷۷۳	۱۳۰۸/۸۳۵	۳۷۸	۰/۰۰۰
ابعاد غیر کالبدی	۱۱	۲/۴۱	۰/۹۶۵	۰/۸۳۰	۰/۸۱۳	۳۳۰/۹۱۸	۵۵	۰/۰۰۰

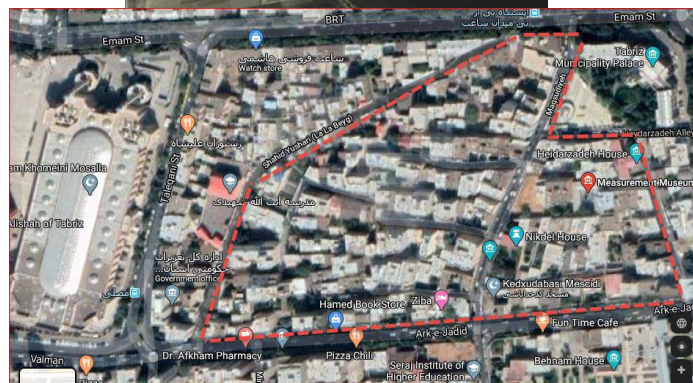
ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

۲.۱. معرفی نمونه‌های مورد مطالعه

۲.۱.۱. محله مقصودیه

انتخاب محله تاریخی مقصودیه و بناهای موجود در آن، بر اساس پتانسیل‌های معماری، شاخص و معتبر بودن محله، طرح ارگانیک و بافت احیاشده، فضای شهری پیاده و وجود ۶ بنای تاریخی ارزشمند در آن صورت پذیرفت. خانه‌های تاریخی موجود در

محله به صورت مجموعه‌ای کامل و دارای ویژگی‌های شاخصی نظیر تنوع عناصر معماری، حیاط اندرونی و بیرونی، تناسب‌ها و هماهنگی در روابط و چیدمان فضاها، تزئینات بسیار زیبا در داخل و خارج بنا است (شکل ۲).



شکل ۲. محله مقصودیه ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

۲. ۱. ۲. مجتمع‌های مسکونی آپارتمانی

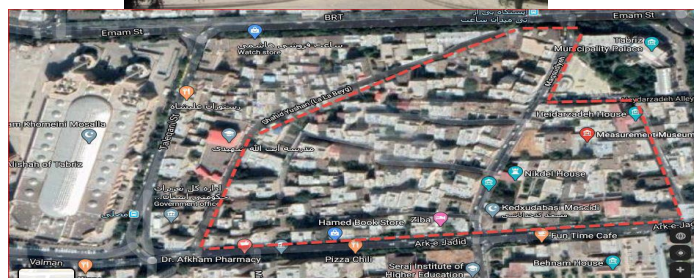
مجتمع مسکونی عتیق تبریز: این مجتمع در ۱۱ بلوک ۶ طبقه ساخته شده است و دارای ۲۰۰ واحد مسکونی می‌باشد. واحدها به صورت دو خوابه و سه خوابه بوده و دسترسی فضاهای داخلی خانه از طریق نشیمن برقرار می‌شود، هر واحد دارای بالکن مجزا می‌باشد. فضای داخلی و نمای این مجتمع فاقد تزئینات و به صورت ساده می‌باشد. این مجتمع در خیابان شهید بهشتی واقع شده و فاقد حیاط و فضای سبز مناسب بین بلوک‌ها می‌باشد (شکل ۳).

مجتمع مسکونی آسمان: این مجموعه در سمت شرق بلوار ائل‌گلی بنا شده است. مجتمع در قالب ۱۶

برج ۱۸ طبقه و دارای ۹۲۸ واحد مسکونی که به صورت دو و سه خوابه اجرا شده است. فضاهای داخلی این مجتمع نیز همانند سایر مجتمع‌های امروزی توسط فضای نشیمن با یکدیگر در ارتباط هستند. در این مجتمع برخی از واحدها دارای تراس‌های مسدود شده با پنجره و برخی فاقد آن می‌باشند. این مجتمع دارای دسترسی از خیابان اصلی بوده و همچنین دارای فضای سبز و حیاط اختصاصی جهت ساکنین هر بلوک و سردر ورودی می‌باشد (شکل ۴).



شکل ۳. مجتمع عتیق ماخذ: (یافته‌های پژوهش)



شکل ۴. مجتمع آسمان ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

۳. یافته‌های پژوهش

پرسشنامه‌های محقق ساخت بین ساکنان خانه‌های مستقل و دو مجتمع مسکونی آپارتمانی توزیع گردید که بعد از جمع‌آوری در مجموع ۲۷۳ خانوار از ساکنان (۳۲ خانوار خانه‌های مستقل و ۲۴۱ خانوار مجتمع‌های آپارتمانی عتیق و آسمان) مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفتند. امتیازدهی به

سؤالات به صورت طیف لیکرت (از ۱ تا ۵، که ۱ نماینده کمترین امتیاز و ۵ نشان‌دهنده بیشترین امتیاز) انجام گردید. اطلاعات مشارکت‌کنندگان در پژوهش، از نظر مدت اقامت و وضعیت مالکیت (مطابق چهارچوب نظری از شاخصه‌های تأثیرگذار بر حس تعلق در حوزه جمعیت‌شناختی) در جدول ۴ قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۴. ویژگی کلی اجتماعی پرسش‌شوندگان

مجتمع‌های آپارتمانی (عتیق-آسمان)		خانه‌های مستقل (محلّه مقصودیه)		ویژگی اجتماعی پرسش‌شوندگان
۵۸٪ مالک		۷۸٪ مالک		وضعیت ملک
۴۲٪ مستأجر		۲۲٪ مستأجر		
بالای ۵ سال ۵۹٪		بالای ۵ سال ۶۴٪		مدت اقامت
زیر ۵ سال ۴۱٪		زیر ۵ سال ۳۶٪		
۲۴۱		۳۲		تعداد

ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

۱.۳. مطالعه ابعاد کالبدی

نتیجه آزمون t نشان می‌دهد که میان رضایتمندی ساکنان از عوامل کالبدی، میان خانه‌های مستقل و مجتمع‌های آپارتمانی اختلاف معناداری وجود دارد (سطح معناداری آزمون، کمتر از ۰/۰۵). این اختلاف در دو جنبه فرم و ابعاد عناصر و مصالح و تزیینات معنادار می‌باشد. درحالی‌که در دسترسی، چینش فضا، محرمیت و مشرفیت اختلاف معناداری میان خانه‌های مستقل و مجتمع‌های آپارتمانی وجود ندارد. علت این امر، نیازها، ضرورت‌ها و سبک زندگی امروزی است که تقریباً بین همه انواع خانواده‌ها مشترک بوده و متناسب با تکنولوژی‌های امروزی شکل پذیرفته است

و پاسخ‌گویی به آن‌ها در قالب ساختارهای سستی، به نظر ساکنین، با مشکلاتی همراه بوده و همین امر، به هم‌شکلی ساختاری از لحاظ چیدمان و محرمیت و مشرفیت در هر دو نوع خانه منجر شده است. جدول شماره (۶)، به بررسی مقایسه میانگین عوامل کالبدی ذکر شده در دو نمونه خانه‌های مستقل و مجتمع‌های آپارتمانی پرداخته است. نتایج نشان داد در تمامی موارد، به جز دسترسی و چینش فضا بیشترین میانگین مربوط به خانه‌های مستقل است. به عبارت دیگر، چینش و دسترسی‌های فضا در مجتمع‌های آپارتمانی، مطلوبیت بیشتری داشته درحالی‌که فرم، مصالح، اصول محرمیت و تزیینات در خانه‌های مستقل و

الگوهای سستی‌تر، به رضایت‌مندی بیشتری منجر شده است.

جدول ۵. آزمون t برای مقایسه میانگین عوامل کالبدی خانه‌های مستقل و آپارتمانی

آزمون t					آزمون لون		فرض برابری واریانس‌ها		
فاصله اطمینان ۹۵٪		خطای استاندارد	اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t		F	
کران بالا	کران پایین								
۰/۶۸۳۴۳	-۱/۱۷۲۶۸	۰/۱۲۳۲۴	-۰/۹۲۸۰۶	۰/۰۰۰	۲۷۰	-۷/۵۳۱	۰/۰۴۸	۴/۰۰۱	فرم و ابعاد عناصر
۰/۶۵۷۸۲	-۰/۱۲۲۱۸	۰/۱۳۴۹۶	۰/۳۹۰۰۰	۰/۰۰۵	۲۷۰	۲/۸۹۰	۰/۲۳۰	۱/۴۵۸	دسترسی و چینش فضا
۰/۱۹۲۲۲۱	-۰/۷۵۴۴۶	۰/۱۴۱۶۶	-۰/۴۷۳۳۳	۰/۰۰۱	۲۷۰	-۳/۳۴۱	۰/۰۰۰	۲۰/۹۹۹	مصالح و تزئینات
۰/۲۵۲۱۳	-۰/۲۴۱۹۲	۰/۱۲۴۴۶	۰/۰۰۵۱۰	۰/۹۶۷	۲۷۰	۰/۰۴۱	۰/۲۴۲	۱/۳۸۴	محرمیت و مشرفیت

ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

جدول ۶. مقایسه میانگین عوامل کالبدی بین خانه‌های مستقل و مجتمع‌های آپارتمانی

حس تعلق	خانه‌های مستقل	مجتمع‌های آپارتمانی
فرم و ابعاد عناصر	۴/۱۱	۳/۲۱
دسترسی و چینش فضا	۴/۰۳	۴/۱۵
مصالح و تزئینات	۳/۷۵	۳/۴۳
محرمیت و مشرفیت	۳/۶۸	۳/۱۲

ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

۳.۱.۱. فرم و ابعاد و عناصر

هستند. در این بین بیشترین میانگین مربوط به نورگیری (۴/۳۸) و ابعاد حیاط (۴/۲۸) و بعد آن شکل ایوان و در و پنجره (۴/۰۸) و در نهایت شکل و اندازه سردر ورودی (۳/۷۶) است.

جدول شماره (۷)، به بررسی نقش فرم و ابعاد عناصر به‌عنوان اولین عنصر کالبدی در خانه پرداخته است. نتایج حاکی از آن است که خانه‌های مستقل در تمامی موارد مربوط به فرم و ابعاد، دارای بیشترین میانگین نسبت به مجتمع‌های مسکونی آپارتمانی

جدول ۷. نقش فرم و مقیاس عناصر در حس تعلق به خانه

فرم و ابعاد عناصر	خانه‌های مستقل	مجتمع‌های آپارتمانی
فرم و ابعاد حیاط	۴/۲۸	۳/۰۶
فرم و ابعاد ایوان	۴/۰۸	۲/۹۶
فرم و ابعاد سردر	۳/۷۶	۲/۷۳
نورگیری	۴/۳۸	۳/۹۲

فرم و ابعاد عناصر	خانه‌های مستقل	مجتمع‌های آپارتمانی
فرم در و پنجره	۴/۰۸	۳/۳۸
انحراف معیار	۲/۳۹	۳/۲۴

ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

۳.۱.۲. دسترسی و چینش فضا

در جدول (۸) نقش دسترسی و چینش فضا مورد بررسی قرار گرفته است. طبق داده‌های به دست آمده، بیشترین میانگین در این رابطه مربوط به مجتمع‌های مسکونی آپارتمانی می‌باشد. بیشترین مقدار (۴/۶۴) دسترسی از خیابان اصلی به داخل خانه و بعد از آن، دسترسی از فضای نشیمن به سایر قسمت‌های خانه (۴/۵۰) است. مجتمع‌های مسکونی آپارتمانی به دلیل قرارگیری در خیابان اصلی و سواره

رو و همچنین روابط داخلی ساده، دسترسی آسان از ورودی و نشیمن به سایر فضاها، دارای روابط ساده‌تری است. خانه‌های مستقل به دلیل قرارگیری در بافتی ارگانیک و فشرده، معابر قدیمی و همچنین دارا بودن سلسله‌مراتب دسترسی پیچیده از بدو ورود به بنا تا فضاهای داخلی دارای میانگین کمی نسبت به مجتمع‌های آپارتمانی هستند.

جدول ۸. نقش دسترسی و چینش فضا در حس تعلق به خانه

دسترس و چینش فضا	خانه‌های مستقل	مجتمع‌های آپارتمانی
دسترس از خیابان به خانه	۳/۳۸	۴/۶۴
دسترس از نشیمن به سایر فضاها	۳/۸۴	۴/۵۰
ارتباط فضاهای داخلی	۴/۵۶	۴/۲۷
انحراف معیار	۴/۴۴	۲/۰۳

ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

۳.۱.۳. مصالح و تزئینات

جدول شماره (۹)، به بررسی نقش مصالح و تزئینات در خانه‌های مستقل در مقایسه با خانه‌های آپارتمانی پرداخته است. با توجه به داده‌های به دست آمده، بیشترین میانگین مربوط به تزئینات

داخلی خانه (۳/۹۶) در خانه‌های مستقل است. با بررسی داده‌ها مشخص می‌گردد که سایر عوامل دارای میانگین نزدیک به هم است که نشان‌دهنده رضایت هر دو نمونه خانه از این عامل بوده است.

جدول ۹. نقش مصالح و تزئینات در حس تعلق به خانه

مصالح و تزئینات	خانه‌های سنی	مجتمع‌های آپارتمانی
تزئینات داخلی حیاط	۳/۸۰	۲/۹۶
تزئینات نما	۳/۵۸	۳/۱۴
تزئینات داخل خانه	۳/۹۶	۳/۹۰

مصلح و تزئینات	خانه‌های سنتی	مجتمع‌های آپارتمانی
مصلح کف	۳/۸۶	۳/۸۵
مصلح دیوار	۳/۸۴	۳/۷۶
تزئینات ورودی	۳/۴۸	۲/۹۶
انحراف معیار	۲/۷۷	۳/۳۱

ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

۴.۱.۳. محرمیت و مشرفیت

جدول شماره (۱۰)، به بررسی نقش محرمیت و مشرفیت در خانه‌های مستقل در مقایسه با خانه‌های آپارتمانی پرداخته است. با توجه به نتایج به دست آمده بیشترین میانگین در این رابطه مربوط به خانه‌های

مستقل است. در این بین بیشترین مقدار (۴/۰۳) مربوط به استقلال فضایی در خانه‌های مستقل و کمترین مقدار از همان مورد (۳/۰۲) مربوط به مجتمع‌های آپارتمانی است.

جدول ۱۰. نقش محرمیت و مشرفیت در حس تعلق به خانه

محرمیت و مشرفیت	خانه‌های سنتی	مجتمع‌های آپارتمانی
حریم بصری	۳/۹۰	۲/۷۵
حریم صوتی	۳/۶۸	۳/۱۲
حریم ارتباطی	۳/۹۸	۲/۸۹
استقلال فضایی	۴/۰۳	۳/۰۲
انحراف معیار	۲/۷۵	۳/۳۳

ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

در جدول (۱۱)، میزان همبستگی با استفاده از ضریب پیرسون بین میزان علاقه به خانه با عوامل کالبدی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاکی از آن است در مجتمع‌های آپارتمانی بین میزان علاقه به خانه با عواملی کالبدی (فرم و ابعاد عناصر، دسترسی و چینش فضا، مصالح و تزئینات، محرمیت و اشرفیت) ذکر شده همبستگی مثبت وجود دارد و همچنین در خانه‌های مستقل این همبستگی به جز نقش دسترسی و چینش فضا که نشان از همبستگی منفی دارد؛ در بقیه موارد دارای همبستگی مثبت

است. علت این امر، تغییر سبک زندگی، نیازها و مقتضیات زندگی امروزی است که پیچیدگی‌های چینش و نحو فضا در خانه‌های سنتی، می‌تواند در کاهش رضایتمندی ساکنان آن‌ها مؤثر باشد.

جدول ۱۱. همبستگی بین میزان تعلق مکانی در خانه با عوامل کالبدی مؤثر

تعلق مکانی	فرم و اندازه عناصر	دسترسی و چینش فضا	مصالح و تزئینات	محرمیت و اشرافیت
خانه‌های مستقل	۰/۴۸	-۰/۰۱	۰/۵۱	۰/۵۸
مجتمع‌های آپارتمانی	۰/۶۰	۰/۵۴	۰/۶۰	۰/۴۲

ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

مکان دارد. در مجتمع‌های آپارتمانی، پس از اصلاحات در محرمت و مشرفیت فضا، فرم و ابعاد عناصر بیشترین پیش‌بینی‌کنندگی را در افزایش تعلق به مکان در میان ساکنین دارد. نتیجه آزمون همچنین نشان می‌دهد که مجموع متغیرهای کالبدی تا میزان ۳۰ درصد می‌تواند تأمین‌کننده احساس تعلق به مکان باشند. این میزان تأثیرگذاری در مجتمع‌های آپارتمانی، ۵۹ درصد می‌باشد. به عبارت بهتر، با مناسب‌سازی ابعاد کالبدی مسکن در مجتمع‌های آپارتمانی، می‌توان تا میزان ۵۹ درصد، رضایتمندی، تعلق ساکنین را افزایش داد.

جدول شماره (۱۲)، با استفاده از ضریب رگرسیون چند متغیره به تعیین تأثیر متغیرهای وابسته (تعلق) و مستقل (فرم و اندازه عناصر، دسترسی و چینش فضا، مصالح و تزئینات، محرمت و اشرافیت) پرداخته است. در این جدول R ضریب همبستگی و R^2 ضریب تعیین تأثیر هم‌زمان چهار متغیر مشترک بر وابسته را نشان می‌دهد. آنچه مدنظر است، شدت تأثیر هر متغیر مستقل بر وابسته است که با استفاده از ضریب Beta به صورت درصد نشان داده شد. نتیجه آزمون رگرسیون، نشان می‌دهد که در خانه‌های مستقل، پس از مناسب‌سازی دسترسی و چینش فضا، اصل محرمت و مشرفیت بیشترین تأثیر را بر تعلق به

جدول ۱۲. ضریب همبستگی و رگرسیون ابعاد کالبدی

متغیرهای کالبدی	خانه‌های مستقل		مجتمع‌های آپارتمانی	
	Beta	Sig (معناداری)	Beta	Sig (معناداری)
فرم و ابعاد عناصر	۰/۱	%۲۸	۰/۰۰	%۴۵
دسترسی و چینش فضا	۰/۷	%۷۶	۰/۰۱	%۲۹
مصالح و تزئینات	۰/۰۵	%۳۰	۰/۱	%۲۰
محرمت و مشرفیت	۰/۱۲	%۳۲	۰/۰۰	%۵۲
R	%۵۵		%۷۷	
R^2	%۳۰		%۵۹	

ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

۲.۳. مطالعه ابعاد غیر کالبدی

غیر کالبدی، نیز بر احساس تعلق به مکان تأثیر گذارند. در ادامه، این پژوهش، به بررسی میزان رضایتمندی و نحوه تأثیرگذاری این مؤلفه‌های غیر کالبدی، بر

مطالعات در حوزه شناخت ابعاد حس تعلق، نشان داد که علاوه بر ابعاد کالبدی محیط، برخی ویژگی‌های

احساس تعلق در مکان در محیط‌های مسکونی بوده است. نتیجه آزمون t نشان می‌دهد که میان میزان رضایتمندی ساکنین از عوامل غیر کالبدی در مجتمع‌های آپارتمانی و خانه‌های مستقل، اختلاف معناداری وجود دارد.

جدول ۱۳. آزمون t برای مقایسه میانگین عوامل غیر کالبدی خانه‌های مستقل و آپارتمانی

آزمون t						آزمون لون		فرض	
فاصله اطمینان ۹۵٪		خطای استاندارد	اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t	سطح معناداری	F	برابری واریانس‌ها
کران بالا	کران پایین								عوامل غیر کالبدی
۰/۵۲۸۱۱	۰/۹۱۳۳۷-	۰/۰۹۷۰۳	۰/۷۲۰۷۴-	۰/۰۰۰	۲۷۰	-۷/۴۲۸	۰/۰۱۱	۶/۶۴۹	عوامل غیر کالبدی

ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

با توجه به شیوه سکونت در مجتمع‌های آپارتمانی، لزوم تعامل و مشارکت با یکدیگر در اداره امور ساختمان و مواجهه روزانه و رودررو با سایر ساکنین از سویی و ضرورت‌ها و نیازهای اجتماعی انسان از سوی دیگر، این برتری دور از انتظار نیست.

جدول ۱۴، نشان‌دهنده میزان رضایتمندی ساکنان از متغیرهای غیرکالبدی در خانه‌های مستقل و مجتمع‌های آپارتمانی است. نتیجه آزمون، نشان می‌دهد که در مجموع، رضایتمندی ساکنان مجتمع‌های آپارتمانی از ابعاد غیرکالبدی حس تعلق به مکان، بیشتر از ساکنان خانه‌های مستقل بوده است.

جدول ۱۴. نقش متغیرهای غیر کالبدی در حس تعلق به خانه

متغیرهای غیر کالبدی	خانه‌های سنتی	مجتمع‌های آپارتمانی
معانی و نمادها	۲/۶۵	۳/۷۸
ابعاد اجتماعی	۱/۷۴	۲/۶۴
خاطرات و تجارب	۲/۱	۳/۱۸
ویژگی‌های فردی	۱/۶	۲/۱۴
فعالیت و آسایش	۲/۲	۲/۷۳

ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

می‌دهد. نتیجه آزمون رگرسیون، حاکی از آن است که در خانه‌های مستقل، فعالیت و آسایش بیشترین تأثیر را بر تعلق به مکان دارد. در مجتمع‌های آپارتمانی، ویژگی‌های فردی و پس‌از آن، ابعاد اجتماعی و خاطرات، تجارب و زمان، بیشترین پیش‌بینی‌کنندگی

در جدول شماره (۱۵) با استفاده از ضریب رگرسیون چند متغیره به تعیین تأثیر متغیرهای وابسته (تعلق) و مستقل (ابعاد غیر کالبدی) پرداخته شد. در این جدول R ضریب همبستگی و R^2 ضریب تعیین تأثیر هم‌زمان چهار متغیر مشترک بر وابسته را نشان

را در افزایش تعلق به مکان در میان ساکنین دارد. نتیجه آزمون همچنین نشان می‌دهد که مجموع متغیرهای غیر کالبدی تا میزان ۲ درصد می‌تواند تأمین‌کننده احساس تعلق به مکان باشند. این میزان تأثیرگذاری در مجتمع‌های آپارتمانی، ۳۰ درصد می‌باشد. نکته قابل تأمل در بررسی نتایج، این است که با توجه به سبک زندگی در مجتمع‌های آپارتمانی و امکانات مطلوب برای تعاملات اجتماعی، تأثیرات مثبت ابعاد غیر کالبدی در مجتمع‌های آپارتمانی، بیشتر از خانه‌های مستقل است؛ اما معانی و نمادها در خانه‌های سنتی و حیاطدار، کارکرد مؤثرتری دارند. در میان فاکتورهای غیر کالبدی، فعالیت و آسایش محیطی در هر دو گونه مسکونی، دارای اهمیت قابل توجهی است.

جداول ۱۵. ضریب همبستگی و رگرسیون ابعاد غیر کالبدی

مجتمع‌های آپارتمانی		خانه‌های مستقل		متغیرهای غیر کالبدی
Beta	Sig(معناداری)	Beta	Sig(معناداری)	
٪۸	۰/۵	٪۱۸	۰/۲	معانی و نمادها
٪۳۰	۰/۰۴	٪۷	۰/۶	ابعاد اجتماعی
٪۳۱	۰/۰۳	٪۵	۰/۷	خاطرات و تجارب
٪۶۰	۰/۰	٪۱۲	۰/۴	ویژگی‌های فردی
٪۲۹	۰/۰۴	٪۳۲	۰/۰۲	فعالیت و آسایش
٪۳۷		٪۱۲		R
٪۳۰		٪۲		R ²

ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

مقایسه میانگین میزان علاقه به خانه در خانه‌های مستقل و مجتمع‌های آپارتمانی پرداخته شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در مجموع، میانگین امتیاز شاخص‌های علاقه به خانه در خانه‌های مستقل بیشتر از مجتمع‌های آپارتمانی است.

احساس تعلق به مکان یکی از عوامل تأثیرگذار در ایجاد رابطه بین انسان و محیطی است. هرچه اندازه محیط در برقراری ارتباط با انسان و تأمین نیازهایش توانمند باشد، احساس تعلق و دل بستن به محیط بیشتر فراهم می‌گردد. در جدول شماره ۱۶، به

جدول ۱۶. معناداری اختلاف احساس تعلق در خانه‌های مستقل و مجتمع‌های آپارتمانی

آزمون t						آزمون لون		فرض برابری واریانس‌ها
فاصله اطمینان ٪۹۵		خطای استاندارد	اختلاف میانگین	سطح معناداری	درجه آزادی	t	سطح معناداری	
کران بالا	کران پایین							
۰/۶۶۹۵۶	۱/۱۴۴۶۴-	۰/۱۱۹۶۸	-۰/۹۰۷۱۰	۰/۰۰۰	۲۷۰	- ۷/۵۷۹	۰/۰۰۶	۷/۹۲۸

ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

آپارتمانی تفاوت معناداری وجود دارد و با توجه به میانگین می‌توان گفت که مجموع میانگین فاکتورهای تأثیرگذار بر علاقه‌مندی در خانه‌های مستقل (۴۸/۴۶) و بیشتر از مجتمع‌های آپارتمانی (۳۹/۸۴) است.

نتایج این آزمون برای شاخص میزان علاقه به خانه در دو نمونه مسکن مستقل و آپارتمانی تحلیل شد و نتایج نشان داد که با کوچک‌تر شدن سطح معنی‌داری این آزمون از میزان خطای ۰/۰۵ بین علاقه به خانه برحسب خانه‌های مستقل و مجتمع‌های

جدول ۱۷. میانگین احساس تعلق در خانه‌های مستقل و مجتمع‌های آپارتمانی

احساس تعلق مکانی	سطح معنی‌داری	مجموع میانگین
خانه‌های مستقل	۰/۰۰	۴۸/۴۶
مجتمع‌های آپارتمانی	۰/۰۰	۳۹/۸۴

ماخذ: (یافته‌های پژوهش)

نتایج نشان می‌دهد که میانگین این مورد، فقط در مجتمع‌های آپارتمانی دارای میزان بالاتری است و در بقیه موارد خانه‌های مستقل بیشترین میانگین را دارا هستند.

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر ضمن مطالعه و شناسایی ویژگی‌های حس تعلق به مکان، به بررسی تأثیر آن‌ها از لحاظ کالبدی و غیرکالبدی بر خانه‌های مستقل (حیاط‌دار) در مقایسه با مجتمع‌های آپارتمانی پرداخته است. در این مقایسه، مشاهده شد که ساکنان خانه‌های مستقل علاقه‌مندی بیشتری به خانه خود نسبت به ساکنین مجتمع‌های آپارتمانی دارند. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها در پاسخ به سؤال اول تحقیق نشان داد که عناصر کالبدی نظیر، ((فرم و ابعاد عناصر))، ((دسترسی و چینش فضا))، ((مصالح و تزئینات)) و ((محرمیت و اشرافیت)) از عوامل تأثیرگذار در احساس تعلق به مکان هستند که این

با توجه به تحلیل داده‌ها و نتایج به‌دست‌آمده می‌توان چنین بیان کرد که بیشترین میانگین کل به‌دست‌آمده (۴/۱۱) مربوط به فرم و ابعاد عناصر موجود و همچنین (۴/۰۲) میزان علاقه به خانه، (۳/۷۵) مربوط به مصالح و تزئینات، (۴/۰۳) مربوط به محریمیت و مشرفیت در خانه‌های مستقل و بعد از آن‌ها مربوط به دسترسی و چینش فضا در مجتمع‌های آپارتمانی (۴/۱۵) است. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده می‌توان چنین استنباط کرد که بین ((فرم و ابعاد عناصر))، ((مصالح و تزئینات)) و ((محریمیت و مشرفیت)) با میزان علاقه به خانه در خانه‌های مستقل، همبستگی و رابطه معنی‌داری وجود دارد که نشان می‌دهد ساکنین این خانه‌ها این عوامل را به‌عنوان عواملی در تعلق به خانه، بیشتر موردتوجه قرار داده‌اند؛ اما در رابطه با ((نقش دسترسی و چینش فضا)) با میزان علاقه، رابطه معنی‌داری وجود ندارد. علت این امر، را می‌توان در تغییر سبک زندگی و نیازها و مقتضیات زندگی جستجو نمود. همچنین

حریم صوتی در خانه‌های مستقل است. نتایج این پژوهش همچنین نشان می‌دهد که دسترسی و چینش فضا به‌عنوان یکی دیگر از ویژگی‌های عناصر کالبدی، دارای بیشترین میزان رضایتمندی بین مجتمع‌های آپارتمانی است که در این رابطه دسترسی از خیابان اصلی به داخل خانه و بعدازآن دسترسی از نشیمن به سایر قسمت‌های خانه دارای بیشترین رضایتمندی است. در صورتی که این ویژگی رابطه معناداری با میزان علاقه به خانه برای ساکنین خانه‌های مستقل ندارد. از منظر کیفیات غیر کالبدی، تأثیرات این متغیرها در مجتمع‌های آپارتمانی، بیشتر است. در میان ۵ فاکتور معرفی شده، فعالیت و آسایش محیطی در هر دو گونه مسکونی دارای اهمیت است. در مجتمع‌های آپارتمانی، ویژگی‌های فردی و ابعاد اجتماعی دارای تأثیر بیشتری است و در خانه‌های مستقل، معانی و نمادها، دانشپور و همکاران (۱۳۸۸) نیز پیش‌ازاین، به اهمیت ابعاد شناختی، عاطفی و عملکردی مکان در ارتقای سطح تعلق به مکان اشاره کرده بودند که نتایج تحقیق حاضر، هم‌راستا با پژوهش آنان بوده است. هم‌چنین، بونایتو و همکاران^۳، ۱۹۹۹ نیز بر اهمیت قابل توجه ابعاد اجتماعی، برافزایش احساس تعلق به مکان اشاره کرده بودند.

بررسی نتایج به‌دست‌آمده در نگاه نخست، تأثیرگذاری هم‌زمان هر دو بعد کالبدی و غیر کالبدی محیط بر احساس تعلق ساکنان آنان را اثبات می‌کند. با توجه به رویکرد مقایسه محور تحقیق حاضر و بررسی وضعیت متغیرهای پژوهش در ۲ نمونه مسکن مستقل و مجتمع‌های آپارتمانی، چنین به دست آمد

نتیجه، هم‌سو با یافته‌های حیدری و همکاران (۱۳۹۳) و صادقی و همکاران (۱۳۹۳) می‌باشد. هم‌چنین، عناصر غیر کالبدی نظیر ((معانی و نمادها))، ((ویژگی‌های فردی))، ((فعالیت و آسایش))، ((ابعاد اجتماعی)) و ((خاطرات و تجارب)) نقش مؤثری در تعلق افراد نسبت به مکان ایجاد می‌کند. این یافته در تأیید مطالعات شاهچراغی و بندرآباد (۱۳۹۴) و جوان فروزنده و مطلبی (۱۳۹۰)، بونز و سیکچیارولی^۱ (۱۹۹۵) و استدمن^۲ (۲۰۰۳) می‌باشد که رابطه هم‌پیوندی میان انسان و محیط را، متأثر از هر دو جنبه کالبدی و غیر کالبدی معرفی می‌کنند. تحلیل نتایج نشان می‌دهد که در خانه‌های مستقل، از میان چهار عامل کالبدی ذکر شده، فرم و ابعاد عناصر و همچنین مصالح و تزئینات دارای میانگین بالاتر و رابطه معناداری با میزان علاقه‌مندی به خانه برای ساکنان دارد. براین اساس، بیشترین میانگین رضایتمندی مربوط به فرم و اندازه عناصر به ترتیب شامل نورگیری، فرم و مقیاس حیاط، فرم و اندازه ایوان و در و پنجره و در نهایت فرم سر در ورودی است. هم‌چنین از نظر تزئینات، بیشترین رضایتمندی مربوط به تزئینات داخلی در خانه‌های مستقل است. بقیه موارد مربوط به تزئینات بین خانه‌های مستقل و مجتمع‌های آپارتمانی دارای میانگین نزدیک به هم است که نشان‌دهنده رضایت هر دو نمونه از این عوامل بوده است. هم‌چنین در رابطه با موضوع محرمیت و مشرفیت، بیشترین میانگین به ترتیب شامل استقلال فضایی، حریم ارتباطی، حریم بصری و

1. Bonnes & Secchiaroli

2. Stedman

3. Bonaiuto

- استفاده از عناصر طبیعی و هویت‌بخش مانند آب، گل و گیاه و... در ساختمان جهت ارتقاء کیفیت فضا؛

- رعایت حریم و مشرفیت در طراحی ورودی واحدها؛

- استفاده از تزئینات با هویت ایرانی در طراحی داخلی و خارجی ساختمان؛

- توجه به اقلیم، فرهنگ و نیاز ساکنین در طراحی ساختمان؛

- برخورداری واحدها از دید و منظر مطلوب و همچنین ایجاد باغچه‌های طبقاتی در راستای تعامل بیشتر ساکنین با طبیعت؛

- رعایت نسبت طول به عرض و اشرافیت در طراحی فضاهای نیمه‌باز مانند تراس.

ارتقاء کیفیت در طراحی و اجرا ساختمان‌های آپارتمانی در راستای افزایش میزان رضایت و تعلق امر مهمی است که باید مدنظر معماران و طراحان شهری قرار گیرد؛ بنابراین با توجه به شاخص‌هایی که موردبررسی قرار گرفتند می‌توان اقدام به طراحی مجتمع‌های مسکونی جدید با رعایت ارزش‌های سستی نمود.

که تأثیر ابعاد کالبدی محیط بر حس تعلق در ساکنین مسکن مستقل بیشتر است. در مقابل، ابعاد غیرکالبدی محیط، تأثیرگذاری قابل توجه‌تری در مجتمع‌های آپارتمانی دارند که با توجه به مبانی نظری موجود، تفاوت شیوه‌های سکونتی و ابعاد اجتماعی وجود انسان، نتیجه به‌دست‌آمده، توجیه‌پذیر و قابل‌قبول می‌باشد.

در مجموع علی‌رغم اینکه مجتمع‌های مسکونی موردبررسی در این پژوهش دارای پتانسیل‌ها و ویژگی‌های مناسبی از لحاظ موقعیتی و معماری هستند، میزان علاقه‌مندی و رضایت در بین ساکنان خانه‌های حیاطدار در محله تاریخی دارای بیشترین میانگین رضایتمندی است. در پاسخ به سؤال دوم تحقیق می‌توان چنین نتیجه گرفت، عناصر کالبدی یک معیار مهم و تأثیرگذار در میزان علاقه‌مندی و درنهایت تعلق افراد نسبت به مکان می‌باشند. درنهایت با توجه به شاخصه‌هایی که در زمینه عوامل کالبدی مؤثر بر حس تعلق به مکان به دست آمد و موردنظر سنجی و بررسی قرار گرفت، رعایت موارد زیر در طراحی و اجرای ساختمان‌های مسکونی می‌تواند موجب ارتقا حس تعلق به مکان ساکنین باشد:

- استفاده از الگوهای رضایت‌بخش خانه‌های مستقل در ساخت خانه‌های آپارتمانی با رعایت ضوابط امر؛

- بهره‌گیری بیشتر از نور طبیعی در تمامی فضاهای خانه؛

کتابنامه

۱. حبیبی، م. (۱۳۸۲). چگونگی الگوپذیری و تجدید سازمان استخوان‌بندی محله، نشریه هنرهای زیبا، ۱۳، ۳۲-۳۹.
۲. حیدری، ع.، مطلبی، ق.، نکویی مهر، ف. (۱۳۹۳). بررسی نحوه ارتباط میان دو مفهوم حس مکان و دل‌بستگی به مکان در خوابگاه دانشجویان، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۱۹(۱)، ۱۵-۲۲.
۳. حیدری، ع.، مطلبی، ق.، نگین تاجی، ف. (۱۳۹۳). تحلیل بعد کالبدی حس تعلق به مکان در خانه‌های سنتی و مجتمع‌های مسکونی امروزی، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۱۹(۳)، ۷۵-۸۶.
۴. دانشپور، ع.، سپهری مقدم، م.، چرخیان، م. (۱۳۸۸). تبیین مدل "دل‌بستگی به مکان" و بررسی عناصر و ابعاد مختلف آن. نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، ۱(۳۸)، ۳۷-۴۸.
۵. شاهچراغی، آ.، بندرآباد، ع. (۱۳۹۴). محاط در محیط: کاربرد روان‌شناسی محیطی در معماری و شهرسازی. تهران: جهاد دانشگاهی.
۶. شمس، م.، خداکریمی، م. (۱۳۸۹). بررسی معماری سنتی هم ساز با اقلیم سرد مطالعه موردی: شهر سنندج. فصل‌نامه جغرافی آمایش محیط، ۳(۱۰)، ۹۱-۱۱۴.
۷. شولتز، ک. (۲۰۰۲). مفهوم سکونت؛ به سوی معماری تمثیلی. ترجمه محمود امیر یاراحمدی، تهران: آگاه.
۸. صادقی فرشته، ر.، دانشگرمقدم، گ.، دژدار، ا. (۱۳۹۱). بررسی رابطه طرح کالبدی در مجتمع‌های مسکونی و حس دل‌بستگی به مکان در بین ساکنین (مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی امام خمینی و امام رضا در همدان). نشریه مدیریت شهری، ۱۰(۳۰)، ۲۶۴-۲۵۳.
۹. فروزنده جوان، ع.، مطلبی، ق. (۱۳۹۰). مفهوم حس تعلق به مکان و عوامل تشکیل‌دهنده آن. نشریه هویت شهر، ۵(۸)، ۲۷-۳۷.
۱۰. فلاحت، م. (۱۳۸۵). مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن. نشریه هنرهای زیبا، ۲۶، ۶۶-۵۷.
۱۱. فلاحت، م. (۱۳۸۴). نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد. نشریه هنرهای زیبا، ۲۲، ۴۲-۳۵.
۱۲. مستغنی، ع.، اعتمادی، ش. (۱۳۹۵). چگونگی شکل‌گیری حس مکان در کودکان. مجله معماری و شهرسازی آرمان‌شهر، ۱۷، ۱۱۴-۱۰۳.

13. Bonaiuto, M., Aiello, A., Perugini, M., Bonnes, M., & Ercolani, A. P. (1999). Multidimensional Perception of Residential Environment Quality and Neighborhood Attachment in the Urban Environment. *Journal of Environmental Psychology, 19*(4), 331-352.
14. Bonaiuto, M., Fornara, F., & Bonnes, M. (2003). Indexes of Perceived Residential Environment Quality and Neighborhood Attachment in Urban Environments: a Confirmation Study on the City of Rome. *Landscape and Urban Planning, 65*(1-2), 41-52.
15. Bonnes, M.; Secchiarioli, G. (1995). *Environmental psychology, a psycho-social introduction*. London, England: Sage.
16. Fried, M. (1963). Grieving for a Lost Home. In L. Duhl (Ed.), *The Urban Condition: People and Policy in the Metropolis* (pp. 151-171.). New York, NY: Simon and Schuster.

17. Low, S. M., & Altman, I. (1992). Place attachment. In I. Altman, S. M. Low (Eds.), *Place attachment. human behavior and environment (advances in theory and research)*. Vol. 12. Boston, MA:
18. Springer. Proshansky H. M. (1990). The Pursuit of Understanding. In I. Altman & K. Christensen (Eds.), *Environment and Behavior Studies. Human Behavior and Environment (Advances in Theory and reSearch)*, (pp. 9-30). Vol. 11. Boston, MA: Springer.
19. Relph, E. (1976). *Place and placelessness*. London: Pion.
20. Riley, R. B. (1992). *Attachment to the Ordinary Landscape*. Boston, MA: Springer.
21. Scannell, L., & Gifford, R. (2010). The Relations between Natural and Civic Place Attachment and Pro-Environmental Behavior. *Journal of Environmental Psychology*, 30(3), 289-297.
22. Shamai, S. (1991). Sense of Place: An Empirical Measurement. *Geoforum*, 22(3), 347-358.
23. Stedman, R. C. (2003). Sense of Place and Forest Science: Toward a Program of Quantitative Research. *Forest Science*, 49(6), 822-829.
24. Steele, F. (1981). *The Sense of Place*. Boston, MA: CBI.
25. Tuan, Y. F. (1974). *Topophilia: A Study of Environmental Perceptions, Attitudes, and Values*. Columbia University Press.